

۲۵۷۸۴۲۵

۱۴۰۲/۶/۱۸

قطره

www.ketab.ir

مجموعه شعر آملی

محمد رضا طالبی

سرشناسه: طالبی، محمدرضا

عنوان و نام پدیدآور: قطره / محمدرضا طالبی.

مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۱ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۸۳۷-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا. / موضوع: شعر.

رده بندی کنگره: PIR۸۳۵۲ / رده‌بندی دیویی: ۸۱۴/۶۲

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۹۵۹۹۷۶۰



شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۸۳۷-۶ ISBN: 978-964-539-837-6

قطره

محمدرضا طالبی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: صبا

کلیه حقوق اعم از تکثیر، انتشار و باز‌نویسی (چاپی، صوتی، تصویری،

الکترونیکی و pdf) برای ناشر محفوظ است.



اینستاگرام:
monir_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان بزشکان، واحد ۹

تلفن و فاکس: ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵) - ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

پست الکترونیک:

info@monir.com

کانال تلگرام:

telegram.me/monirpub



فهرست مطالب

- ۱۱ پیاله‌ی سحر از نگاه تار لبریز است
- ۱۳ بی تو دنیای پُر از آسبِ نگاه می شود
- ۱۵ زیر خاکستر شرار سرخ مهتابیم
- ۱۷ بر خویش می‌گرید اگر که بی صدا چشم
- ۱۹ بیا که جای تو بر مسندِ زمان خالی‌ست
- ۲۳ ای تمنای ظهورت در دلِ آشفته‌ها
- ۲۷ ابر هجر تو گرفته نفس‌گلدان را
- ۳۳ به لطف جمله پادرمیان امروزی
- ۳۵ ای عابری که کل جهان زیر پای توست
- ۳۷ مانند ماهی که به شب وابستگی دارد
- ۳۹ اگر از چهره بردارد نگارِ ما نقابش را
- ۴۳ چشم واکن قمرم! بُهت فضا را بشکن
- ۴۷ باز مرحب را به تیغ واژه بی سر می‌کنم
- ۴۹ هی ترک برداشت این دیوار و هی عایق نشد
- ۵۳ بخر این بیت‌ها را گرچه دارد مختصر واژه

- ۵۵ بر تن زائران خسته نفس، آسمان عطر ناب می بارد
- ۵۷ جهان بی علی حتی به یک ارزن نمی ارزد
- ۵۹ مست از نم شرابم و ساغر دو تا دو تا
- ۶۱ مرد بودن نه به هیبت، به جگر داشتن است
- ۶۳ نیست از دُر نجف هیچ نگین بالاتر
- ۶۷ نور وقتی می دمد از سینه و پهلوی مرد
- ۶۹ با صد زبان اگر که بگویم علی کم است
- ۷۳ باری که می کشید ولی زمان به دوش
- ۷۵ اگر چه سفره افطار می شود تزئین
- ۷۷ گذشتی گر چه تو با صوتِ الرحمان به گورستان
- ۷۹ مردی از خطه‌ی لعل آباد
- ۸۳ ریزی چو جرعه جرعه‌ی کرم از بسوی خویش
- ۸۵ غیر چشمت چه کسی سیطره بر دل دارد؟
- ۸۷ زمانه‌ای که به اهل کرم نیاز ندارد
- ۸۹ تا بست ز ظلمتکده بار سفرش را
- ۹۱ محک زدم وسط خطبه حال و حوصله ها را
- ۹۳ چو قصر آینه گشته دل خراب شده
- ۹۵ خزانه دار بهشت است و محو در کرم او
- ۹۷ دم میخانه کوبیدم زمین یکباره جامم را
- ۹۹ روی دریا، رد پای خویش را گم کرده‌ام
- ۱۰۱ دادند در بیان غمت هر که را ورق
- ۱۰۳ غم بود آنچه آینه را غرق آه کرد
- ۱۰۵ طی کرده‌ام اگر چه مسیر گناه را
- ۱۰۷ خورشید دارد می‌گذارد پا به صحرا
- ۱۰۹ فردا که تیر می‌چکد از دست و پای من

- ۱۱۱ گرفت امشب کمی از دوستان حتی نگاهش را
- ۱۱۳ کنارت یآوری وقتی ندیدی ظهر عاشورا
- ۱۱۵ می رسد شاه مرکب از گودال
- ۱۱۷ خیر آمد خیام غارت شد
- ۱۱۹ شبی در عالم رویا تو را در آسمان دیدم
- ۱۲۱ حالا که ظلمت سرزده از پای نیزه
- ۱۲۳ ای که از خون لب‌ت رنگین شده دامانِ سنگ
- ۱۲۵ میان طشت زر رنگ نگاهش گرچه دلکش بود
- ۱۲۷ چه امیر سرفرازی! چه نگاه دلنوازی!
- ۱۲۹ تمام راه دویدم به بوی نیزه‌ی تو
- ۱۳۱ همچو پروانه سوی خیمه و مشعل برگشت
- ۱۳۵ در آمد دست حق او آستین آهسته آهسته
- ۱۳۷ سزای شرح این دوری هزاران مضمون است
- ۱۳۹ اگر گسترده گردد بزم احسانِ عراقی‌ها
- ۱۴۱ عشق پر آشوب تو هر جا گذر انداخته
- ۱۴۳ بالا بلند مرتبه! ای اقتدارِ محض!
- ۱۴۵ می‌رفت سمت جرعه‌ی آب گوارا، مشک
- ۱۴۷ دلش از غصه پُر و سینه به تنگ آمده بود
- ۱۵۱ بسمت علقمه امیدِ کاروان تا رفت
- ۱۵۳ بی تو چرا بگردم در جستجوی دریا؟
- ۱۵۵ وجود تو شده چون شرح کاملِ پدرت
- ۱۵۷ مرد باید که به تکبیر بیاید میدان
- ۱۵۹ او می‌زند بر تارک تزویر با شمشیر
- ۱۶۱ اگر اندازه‌ی یک جمله تکلم نکنی
- ۱۶۳ ناگهان وا کرد قرآن مبین را روی دست

- دیگر ندارد طاقتی آقای گهواره ۱۶۵
- در خیمه قلبی نیست که مضطر نباشد ۱۶۷
- خدا چو پرده ز روی تو در ازل برداشت ۱۶۹
- در این جدال به چهره زده نقابش را ۱۷۱
- از آن زمان که دلم عطر نوبهار گرفت ۱۷۳
- در سجده ی نیاز، سحرها کنار هم ۱۷۷
- فرستاده به میدان شرف اسطوره هایش را ۱۷۹
- تا که چشمش به کودکان می خورد ۱۸۳
- مرا تطهیر کن از تیرگی ای زینت دل ها ۱۸۷
- بی نفس کی به مسیحا برسیم؟ ۱۸۹
- دل اگر نیت سفر دارد ۱۹۳
- بر لب ت گرچه زد شرر اشک ۱۹۵
- میان بزمِ دروغین شبی کمین خودی ۱۹۷
- روز و شب در میان بیئت النور ۱۹۹
- تا به حالا ندمیده سحری بهتر از این ۲۰۳
- صخره به صخره قلب تو در بر کشیده شد ۲۰۷
- دست غمت فتاده عنان کبوتران ۲۰۹
- ای نجیب ای تبلور پاکی ۲۱۱
- چشم اشک آلوده نه! ظرف شراب آورده ام ۲۱۵
- بخش مخدرات ۲۱۷
- قسم به ساحت سکوت صبح آشنایی ات ۲۱۹
- جز اینکه نیست چون تو زنی باوقارتر ۲۲۱
- از همان دم که نهادی ز کرم پا به زمین ۲۲۳

۲۲۷ امید نسل آدم را جز اهریمن نمی‌گیرد
۲۲۹ چه بنویسم ز مردم تا نگردد دفتر آلوده
۲۳۱ رد می‌شود آلاله‌ی طوفان نخورده
۲۳۳ اگرچه پیرهنی لاله‌گون به تن داری
۲۳۵ سحر نیامد و سجاده ماهتاب ندارد
۲۳۷ بگو که حک شده زخمی‌ترین نشانه به شانه
۲۳۹ سر رفت از پیاله‌ی رنج و تعب سکوت
۲۴۱ چون نیست غیر از عشق پاسخگو به پهلوی
۲۴۳ حتی نشد در خیالش در را به مادر بگوید
۲۴۵ صد پاره میکند دل ویرانِ خویش را
۲۴۷ در شبِ طاعتِ خوزهر، روز روشن حیدر است
۲۴۹ زمین حس می‌کند با کاه‌های استوارش را
۲۵۳ با خیالِ بی‌سوادِی از بختِ غایب
۲۵۵ به سرت کرده خدا چادرِ یکتایی را
۲۵۷ اگر به قله‌ی عصمت نشسته او در اوج
۲۵۹ مگو سر نیزه، بلکه منبر سردارِ زینب بود
۲۶۱ میان کوفه بگو مردمان غافل را
۲۶۳ می‌کشد با آتش غم خرمی را در بغل
۲۶۵ آنکه باشد وارث مولای خود
۲۶۹ نوحه سرایِ محفلِ اشکِ محرم است
۲۷۱ ز هر سو بوی خاکستر می‌آید
۲۷۳ ببر با خود مرا پایان بده این ناتوانی را
۲۷۵ در کنج جامِ شبِ قمرم را نگاه کن
۲۷۷ از عطش شد زبانِ نوحه گرم خشک
۲۷۹ اکبر! عمویم! عمه! بابا! گوشواره

- ۲۸۱ بس که وهم خارهای دشت مانوسم شده
- ۲۸۳ میان شعله‌ی غم گر چه سوخت پرهایش
- ۲۸۵ به وقتِ عاشقی، آئینگی، وقت اذان در قم
- ۲۸۷ شب شد از پا قدمِ حضرت باران روشن
- ۲۸۹ بی تو ای سیده‌ی پاکِ کنیزان نرجس!

www.ketab.ir